



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۵۰۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲، ۱۰ مه ۲۰۱۳ - ۱۶ صفحه

نمایش "هیجان انگیز" انتخاباتی

صفحه ۲

کاظم نیکخواه

کارگران و چشم انداز سیاسی آینده

صفحه ۳

شهلا دانشفر

کنفرانس سازمان اکس مسلم در کلن آلمان با موفقیت برگزار شد



صفحه ۶

عراق تاریخ خونباری از اعدام پشت سر دارد

مصاحبه با سمیر نوری در مورد
مبارزه علیه اعدام در عراق



داده ایم که میخوانید.
انترناسیونال: سمیر نوری،
شما از چه زمانی در عراق علیه
اعدام فعالیت میکنید؟
سمیرنوری: من مدتها است
مشغول مبارزه علیه اعدام هستم و
در چندسال گذشته چندین مقاله یا
بیانیه درمورد اعدام نوشته ام، ولی
در دو سال گذشته شروع به
فعالیتهای متمرکزتری در این
زمینه کرده ام و دهها اطلاعیه و
بیانیه به زبانهای عربی و کردی

سمیر نوری در مبارزه علیه اعدام
در عراق امروز يك نام آشنا و
شناخته شده است. با او درمورد
اعدام در عراق مصاحبه ای ترتیب

ادامه صفحه ۴

سمیر نوری

درمورد دادگاههای شریعه

صفحه ۵

مریم نمازی

بازتاب هفته

صفحه ۷-۸

بهروز مهرآبادی - یاشار سهندی

زن آزاد

صفحه ۹

فرح صبری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نمایش "هیجان انگیز" انتخاباتی



کاظم نیکخواه

مراسم "انتخابات" رئیس جمهور حکومت اسلامی پدیده جالبی است. همه میدانند انتخابی توسط رای دهندگان در کار نیست و "انتخابات" این حکومت یک نمایش مسخره است. اما همه برای این نمایش روز شماری میکنند و هیجان دارند و نگرانی. حتی سران اصلی حکومت هم که از قبل دقیقا میدانند که چه کسی را قرار است از صندوق بیرون بدهند، نگرانند. و در واقع اینها بیش از همه وحشت زده اند. با توجه به این آیا هنوز هم میتوان این "انتخابات" را "نمایش" و "مسخره" و "بازی" و امثال اینها خواند؟

جواب این سوال فکر میکنم روشن باشد. دلیل گرمی بازار انتخابات رئیس جمهوری اسلامی خود انتخاباتش نیست، فضایی است که حول و حوش آن ایجاد میشود. همه میدانند که باند حاکم و ولی فقیه می نشینند و تصمیم میگیرند و شخص معینی را از صندوق بیرون میکشند. این را امروز فقط ما مخالفان حکومت نمیگوییم. بلکه از زبان جناحهای حکومت و شخص رئیس جمهورش بارها و بارها اعتراف شده است و نیازی به افشاکاری در این زمینه وجود ندارد. گفتم فضای حول و حوش انتخابات است که به این نمایش اهمیت ویژه ای میدهد. مساله جالب اینست که علیرغم مسخره بودن و نمایشی بودن این انتخابات، مردم بیش از هر جای دیگری در دنیا و بیش از هر

انتخابات واقعی و غیر تقلبی ای در این انتخابات میتوان گفت دخالت دارند و تاثیر میگذارند. اما این تاثیر گذاری بهیچ وجه از طریق رای و صندوق رای نیست. بلکه در بیرون صندوق و خارج از سیستم این انتخابات کذایی است. شیخ انقلاب مردم سران حکومت را تا درون بیت شان تعقیب میکند. همه میدانیم که چگونه از ماهها پیش از مراسم انتخابات ترس و وحشت کل وجود حاکمین را فرا میگیرد و شروع میکنند به خط و نشان کشیدن و بسیج نیرو و مزدوران را سازمان دادن. این ترس و وحشت بعد از سال ۸۸ هزار برابر شده است. شاید قبلا فکر نمیکردند که مساله اینقدر جدی باشد. اما سال ۸۸ دیدند که تا یک قدمی سرنگونی رفتند و برگشتند. و می دانند که دور بعدی بسیار محتمل است که دیگر بر نگردند. و این کل مساله است. این آن عاملی است که انتخابات را هم برای مردم سرنگونی طلب هیجان انگیز میکند، و هم برای سران جمهوری اسلامی و همه جناحهای وحشت آفرین مینماید. ترس از خشم گسترده و عمیق مردم آن عاملی است که مدام از درون صوف حکومت جناحهای جدید و "خط انحرافی" و فتنه گر و خائن و امثالهم خلق میکند.

انتخابات ۹۲

این روزها یکی از خبرنگاران سیمای جمهوری اسلامی از یکی از دست اندرکاران برگزاری انتخابات حکومت پرسید "چند نفر تاکنون ثبت نام کرده اند؟" و او جواب داد ۲۴۳ نفر. و خبرنگار پرسید "اما چرا هیچکدام از بزرگان نظام در میان آنها نیستند؟" و طرف جواب داد "بله اینها که ثبت نام کرده اند چهره های برجسته ای نیستند. و بزرگان حتما گذاشته اند برای روزهای | آخر که ثبت نام

شرایط حساس را ندارند. زیرا وضع جمهوری اسلامی به مرحله خطرناکتری رسیده است که اینها امیدي به این داشته باشند که بتوانند آنرا از این گرداب نجات دهند. مدتی است که این دو دارند "به این شرط می آیم به آن شرط نمی آیم"، میکنند. اما بنظر من این فقط بازار گرمی به منظور بالا بردن نرخ خود است. دوره اینها همین چند هفته است که خود را مطرح کنند و تاقچه بالا بگذارند و ناز کنند. اما دلیل پندانی وجود ندارد که بخواهند حاشیه امن خود را رها کنند و خود را به طوفان بزنند. خاتمی که فی الحال با صدبار شرط و شروط گذاشتن، نه گفته است. رفسنجانی هم از طریق همسرش این هفته اعلام کرد که شرکت نمیکند. اما خودش هنوز این را به زبان نیاورده است. رفسنجانی دوست دارد به عنوان حامی خامنه ای وارد میدان شود. و میتوان مطمئن بود که خامنه ای بعنوان راس حکومت در بدترین و منزوی ترین شرایط قرار دارد و در عین حال که دوست دارد که امثال رفسنجانی را به درون نظام باز گرداند اما نگران تندرو های دور و بر خویش و کشاکشها و همان داستان ۸۸ است و در نتیجه ناچار است عطای او را به لقایش ببخشد. میماند چهره جنجالی تر این "انتخابات" یعنی مشایی و باند احمدی نژاد. اینها هم بنظر نمیرسد که بجز همان امام زمان که مشایی گفته بود پشت و پناه اوست و "صلاحیتش را تایید کرده" کسی را داشته باشند و به احتمال زیاد ناچارند صحنه را با کمی لنگ و لگد زدن ترك کنند.

با توجه به همه اینها این محتمل است که بهر صورت جمهوری اسلامی این نمایش انتخاباتی را بتواند با کنترل کامل تبلیغات و بسیج نیرو و نظامی کردن اوضاع از سر بگذراند و یکی از همان تحقیر شدگان را از صندوق بیرون آورد. اما مساله اینست که کار این حکومت به

جایی رسیده است که این بار برای به تلاطم افتادن احتیاجی به نمایش انتخاباتی ندارد. اوضاع حکومت از نظر اقتصادی بسیار آشفته تر از آنست که بشود تصور کرد. خود مساله یارانه ها یکی از موضوعات مهم بحران برانگیز است که هر رئیس جمهور جدیدی بلافاصله باید با آن دست بگریبان شود. مردم انتظار دارند که با قطع یارانه ها، پرداختهای نقدی چندین برابر شود. اما حکومت ناچار است هرچه زودتر آنرا قطع کند. گرانی دارد بیداد میکند و هرروز قیمتها افزایش می یابد و از آنطرف حکومت اسلامی قدرت ادامه پرداخت یارانه ها را ندارد. بعلاوه کارگران زیر فشار فقر و گرانی و بیکاری گسترده و دستمزدهای نازل در وضعیتی بسیار اعتراضی قرار دارند و چشم انداز مبارزات کارگری گسترده بسیار زیاد است. انزواي بين المللی جمهوری اسلامی و تنشهای بين المللی آن نیز عاملی است که میتواند اوضاع سیاسی را به زبان این حکومت بسرعت تغییر دهد. کلا در میان بخشهای مختلف مردم روحیه ها بالاست و فضای سرنگونی طلبی میتوان گفت از همیشه بیشتر است. این فضایی است که صوف حکومت را مدام در هم خواهد ریخت و اوضاع سیاسی را مدام بحرانی تر خواهد ساخت.

هرچند پیش بینی آینده با دقت ممکن نیست اما همه کس این را کاملا احساس میکنند که اوضاع سیاسی ملتهب و شکننده است. و تحلیلا هم میتوان فهمید که جمهوری اسلامی پایه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برای بر سرپا ماندن را بیش از هر زمانی از دست داده است و دیر یا زود باید برود. این آن فضایی است که بهررو بر نمایش انتخاباتی و بر دوره بلافاصله بعد از آن سایه خود را حفظ خواهد کرد و تحولات بعدی را کلید خواهد زد. ۱۰ مه ۲۰۱۳*

کارگران و چشم انداز سیاسی آینده



شهلا دانشفر

اوضاع سیاسی در ایران در وضعیت حساسی است. صفوف حاکمیت از هر وقت در هم ریخته تر است و نزاعهایشان در آستانه نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری آینده بیش از پیش بالا گرفته است. این در حالیست که اقتصاد کشور در حالت از هم گسیختگی و در هم ریختگی بی سابقه ای قرار دارد. مراکز تولیدی پشت سر هم ورشکست و تعطیل میشوند. هر روز قیمت اجناس بالاتر میرود. و اکنون صحبت از افزایش نجومی کالاهای اساسی مورد نیاز مردم نظیر نان، برق، گوشت، مسکن و درمان است. گزارشها حاکی از وجود ۶ تا ۷ میلیون کودک خارج مانده از چرخه تحصیل است. صحبت از بازار داغ فروش کلیه به عنوان یک راه امرار معاش برای مردم است. فلاکت بیسابقه ای بر کرده مردم جامعه حاکم شده است. در مقابل این وضعیت، فضای جامعه، فضای اعتراض است. مردم در جستجوی راهی برای رهایی از جهنم رژیم اسلامی هستند. در چنین شرایطی اعتراضات کارگری هر روز گسترده تر شده و یک عرصه دائمی نبرد با رژیم اسلامی است. به همین اعتبار جنبش اعتراضی کارگری به یک فاکتور مهم در سیر تحولات سیاسی جامعه تبدیل شده است. در چنین اوضاعی است که همه سرها به طرف کارگران خم شده

است.

به همین اول مه که پشت سر گذاشتیم نگاه کنیم. قبل از اول مه و در آستانه روز جهانی کارگر شاهد اعتصابات هزاران کارگر در مراکز مختلف کارگری چون معدن مس خاتون آباد، صدرا در بوشهر، لوله ساوه، قند اهواز و کارخانجات بسیاری در جنوب و اصفهان و کردستان و غیره بودیم. در چنین فضایی میتوان گفت که رژیم اسلامی امسال بیش از هر وقت دیگر از فرارسیدن اول مه وحشت داشت. جمهوری اسلامی حتی به خانه کارگری هایش مجبور راهپیمایی نداد و از قبل فضا را کاملا امنیتی کرده و فعالین و رهبران کارگری را زیر فشار و تهدیدات خود قرار داد. برای نمونه رضا شهبازی از رهبران کارگری را به زندان بازگرداند و در شهری چون سنجند خلیل کریمی یکی دیگر از رهبران کارگری را احضار و تهدید کرد. اما در این روز علیرغم تهدیدات و بگیر ببندهای رژیم اسلامی، کارگران ایستادند و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. دو اتفاق درخشان این روز مارش با شکوه کارگران در شهر سنجند با پرچم های سرخ و با طنین شعار نان مسکن آزادی و تجمع هماهنگ کنندگان طومار سی هزار امضا در تهران در مقابل وزارت کار بود. تجمع تعدادی از کارگران شرکت واحد به مناسبت این روز، بیانییه ها و قطعنامه های تشکلهای مختلف کارگری و فعالین و رهبران کارگری، بیانییه هزار کارگر اعتصابی صدرای بوشهر و گرامیداشت این روز در جمعهای کارگری در شهرهای مختلف دیگر همه و همه نشان از برگزاری گسترده این روز داشت. بدین ترتیب در اول مه امسال و در دل تحولات سیاسی امروز جامعه کارگران حرف خودشان را زدند و حقوق انسانی را مقابل جامعه

گذاشتند. به این اعتبار اول مه نمونه ای از ابراز وجود کارگران در سیاست ایران بود. در این روز رهبران و فعالین کارگری با بیانییه ها و قطعنامه هایشان و با خواستههای روشنی جلو صحنه سیاسی جامعه قرار گرفتند و دنیایی بهتر را نوید دادند. اینها همه تاکیدی بر وزن و جایگاه کلیدی جنبش کارگری در سیر تحولات آتی ایران است.

شیخ کارگران بر فراز سر جناحهای حکومت و اپوزیسیون بورژوازی

هم رژیم اسلامی و هم اپوزیسیون درون حکومت و کل بورژوازی بر جایگاه کلیدی و تعیین کننده جنبش کارگری در اوضاع امروز ایران واقفند و پژواک آنها در رویکردهایشان به روشنی مبینم. از جمله انعکاس فشار اعتراضات کارگری را مستقیماً در نزاعهای درون حکومت می توان دید. طرح مجدد مساله حداقل دستمزد کارگران در مجلس يك نمونه گویا از این نظر است. جالب است که نمایندگان مفتخور و میلیاردر مجلس اسلامی يك شرط دادن رای اعتماد به وزیر کار پیشنهادی دولت را افزایش حداقل دستمزدها تا سقف ۸۰۰ هزار تومان در ماه اعلام کردند! و اینها همانها هستند که معمولاً برای يك درصد افزایش دستمزد کارگران هزار تئوری و مانع را پیش میکشند. اکنون نیز این شرط گذاریها به معنای موضع واقعی آنها نیست بلکه با هدف رد گم کردن است. در نوشته دیگری نیز توضیح دادم که مساله دستمزد، مساله زندگی و معاش برای کارگران و کل جامعه است. جنگی است که رژیم را به مخمسه ای جدی انداخته است. برای همین است که اکنون در بجهوه انتخاباتشان این بحث دوباره بر روی میز مجلس گذاشته

میشود و به موضع کشاکش های مجلس و دولت تبدیل میشود. تا بلکه در سایه این بحث هم بتوانند فضای اعتراض در میان کارگران را تا حدی تخفیف دهند و هم از آن به عنوان حربه ای برای فشار گذاشتن بر روی دولت سود جویند.

نمونه دیگر از همین دست، های و هوی و جنجال از سوی کانون عالی شوراها ی اسلامی و کانون عالی انجمن های صنفی بر سر شکایت به دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی در مورد سطح پایین حداقل دستمزد یعنی تصمیم شورای عالی کار و تعیین ۴۸۷ هزار تومان حداقل دستمزد است! این نهادهای ضد کارگری را همه بخوبی میشناسند و اینکه اکنون سنگ کارگر را به سینه میزنند فکر میکنم بر همه روشن است. هدفشان در واقع سر دواندن کارگران و مهار کردن اعتراضات کارگران بر سر این موضوع است که اکنون ابعادی بسیار گسترده دارد. دلیلش نیز به روشنی اینست که امروز کارگران با مبارزانشان بر سر خواست افزایش دستمزدها در پیشاپیش صحنه سیاسی جامعه و فضای اعتراضی در میان توده های میلیونی مردم علیه فقر و فلاکت، دارند جلو می آیند. این همان چیزی است که حکومت اسلامی از آن وحشت دارد و جناحهای مختلفش را به جان هم انداخته است و ترس از شورش گرسنگان به کابوس و جدال هر روزه شان تبدیل شده است.

همین اوضاع است که اپوزیسیون درون حکومتی و اپوزیسیون بورژوازی را هم به تکاپو انداخته است. امروز دیگر از میر حسین موسوی گرفته تا شیرین عبادی و رضا پهلوی و غیره همه "کارگر دوست و کارگرپناه" شده اند. از جمله در همین راستا است که سری شماره های "کلمه کارگری" منتشر میشود. سلسله تشریفات که در سرمقاله اولین شماره اش اندر باب ضرورت انتشار "کلمه کارگری" به

"سروش ساز بودن تصمیمات و سیاستهای اقتصادی" و اینکه همه باید به اخبار و تحلیل های اقتصادی حساسیت نشان دهند، تاکید شده است. معنی واقعی این گفته ها نیز به روشنی اینست که امروز اقتصاد و به همین اعتبار جنبش اعتراضی کارگری به مرکز ثقل سیاست ایران تبدیل شده است و "کلمه" و "جنبش سبز" این را به خوبی بو کشیده اند. بعد هم همانجا با گفتن اینکه میر حسین موسوی همیشه به کارگران توجه داشته است و با اشاره به "پلاتفرم انتخاباتی" وی در سال ۸۸، تاکیدش بر احیای ارزشهای اسلامی و "حقوق" پایمال شده ای است که در "قانون اساسی" رژیم اسلامی آمده است. همان هدفی که "جنبش سبز" حول آن گرد آمده است و به گفته خودشان "کلمه کارگری" آمده است تا صدای خواسته های کارگری در "جنبش سبز" باشد. بدین ترتیب "کلمه کارگری" و سرانشان بیشرمانه آمده اند تا به خیال خودشان کارگران را حول قانون اساسی رژیم اسلامی گرد آورند.

در همین راستا پیام رضا پهلوی نیز خواندنی است. او در پیامش به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر، الحق به عنوان يك سرمایه دار نقش کارگران را در توسعه اقتصادی جامعه خوب دیده و میگوید: "این روز را به زحمت کش ترین طبقه جامعه، که بیشترین نقش را در توسعه اقتصادی جامعه بازی می کنند و البته می توانند نقشی قابل توجه در استقرار دموکراسی در جامعه داشته باشد شادباش می گویم، و آرزو می کنم که این بخش مهم جامعه، به خواسته های قانونی و بر حق خود دست یابند. خداوند نگهدار ایران باد."

برای این جناب کارگر فقط وسیله ای است برای "توسعه اقتصادی جامعه". توسعه

عراق تاریخ خونباری از اعدام پشت سر دارد

از صفحه ۱

نوشته ام که بعضا به فرانسوی هم ترجمه شده است. من الان گام به گام در کنار کمیته بین المللی علیه اعدام فعالیت میکنم. در عراق نیز کمیته ای تشکیل داده ایم به اسم "کمیته لغو مجازات اعدام در عراق". همچنین در "اتلاف جهانی برای لغو مجازات اعدام" هم فعالیت دارم و فعالیتهایی در این چهارچوب شروع کرده ام و مسئول بخش کردستان این همبستگی هستم.

انترناسیونال: اعدام در عراق يك موضوع مهم است که در سالهای اخیر شدت گرفته است. کدام نهاد اعدامها را در نهایت امضا میکند و سیستم قضایی و دستگاههای مختلف دولتی چه نقشی در این اعدامها دارند؟

سمیر نوری: عراق مملکتی است که در چند دهه گذشته خونین ترین و وسیع ترین اعدامها را داشته و تاریخ بسیار سیاهی را پشت سر گذاشته است. ابعاد اعدام در ۶۰ سال گذشته چنان وسیع است که حتی باور هم دشوار است. دولت پشت دولت از عبدالکریم قاسم تا عبدالسلام عارف و از احمد حسن بکر تا صدام حسین جنایات غیر قابل تصویری مرتکب شده اند. تنها در سال ۱۹۸۸ در جریان "انفال" گفته میشود که ۱۸۰ هزار نفر توسط دولت صدام سر به نیست شدند یعنی دستگیر و بدون محاکمه اعدام شدند. نسل قبل در مناطق عرب نشین نیز صحنه های فجیعی از اعدام دسته جمعی در خیابان ها را به یاد دارد. بسیاری از رهبران و کادرهای حزب توده عراق (حزب شیوعی) در دهه شصت اعدام شدند، در جریان جنگ ایران و عراق

تعداد زیادی از اعضای اپوزیسیون مذهبی (شیعه) در گروه های دسته جمعی اعدام شدند. هزاران سرباز و درجه دار در جنگ ایران و عراق اعدام شدند. در نیمه دوم قرن بیست اعدامهای دسته جمعی زیادی در میادین و چهار راههای شهرها به منظور ارعاب مردم انجام شده است. مردم عراق خاطره بسیار تلخی از اعدام دارند. کسی نیست که دوست و رفیق و آشنائی اعدام نشده باشند. تاریخ اعدام در دولت کنونی ادامه تاریخ جنایتکارانه دولت صدام و احمد حسن بکر و غیره است.

در سال ۲۰۰۴ به دنبال اشغال عراق توسط دولت آمریکا و متحدینش و از طرف پل بریمر حاکم آمریکائی آن وقت عراق این مجازات به حالت تعلیق درآمد و مجازات اعدام موقتا تعلیق شد، اما در سال ۲۰۰۵ مجازات اعدام به قانون اساسی این کشور برگشت و از طرف مسئولین حاکم وقت مجازات اعدام در دستور قرار گرفت و خیلی ها به اعدام محکوم میشوند. بنا به قانون اضطراری سال ۲۰۰۵ که به "قرار ۴ ترور (اربع ارباب)" شناخته می شود، دهها هزار نفر به زندان افتاده و صدها نفر اعدام شده اند. این فرمان مکمل ۱۴۸ بند قانون اساسی در مورد مجازات اعدام است که تعداد اعدام ها را بالا برده است.

سیستم قضائی عراق يك سیستم کاملا وابسته به دستگاه حکومتی و دولت است. قانون دست بازر را برای هرگونه آزار و شکنجه ای برای اعتراف گیری باز گذاشته است. خیلی ها در زندان های عراق در اثر شکنجه جانشان را از دست داده اند. در چنین سیستمی اعدام افراد بیگناه هم يك امر رایج است.

زندانیان در خیلی مواقع هیچ حامی و پشتیبانی ندارند.

قوانین مربوط به مجازات اعدام شامل حال کردستان عراق هم هست. هرچند دولت حریم در کردستان از چند سال قبل به این طرف جرات نکرده است کسی را اعدام کند با اینهمه در حال حاضر ۱۱ زن محکوم به اعدام در زندان "مه عسگر سلام" در شهر سلیمانیه به سر میبرند. زنانی که تاریخی از سرکوب و بیحقوقی پشت سر خود دارند و بطور واقعی از بیحقوق ترین بخش جامعه اند. برخی از این زنان ده سال و یا حتی بیشتر در زندان بوده اند، نه وکیلی داشته اند، نه حتی امکان ملاقات با کودکان خود را. اینها آئینه تمام نمائی از رنج و محرومیت تاریخی زنان در کردستان عراق و نمونه ای از بیحقوقی مردم در این کشور هستند.

احکام اعدام را یا رئیس جمهور امضا می کند یا معاونین رئیس جمهور، اما در منطقه کردستان این روشن نیست. دادگاه عالی نیز در کردستان وجود ندارد.

انترناسیونال: آمار اعدامها در عراق بسیار بالا رفته است، معمولا چه کسانی را اعدام میکنند و الان در زندانها چند نفر در انتظار اعدام هستند.

سمیر نوری: تنها در سال گذشته ۱۲۹ نفر در عراق اعدام شدند. عراق در رده بندی کشورهای که مجازات اعدام دارند در ردیف سوم قرار دارد و کم کم به ردیف دوم این جدول بندی نزدیک می شود. بنا به گزارش گزارشگران بین المللی، عراق به کشتارگاهی برای سلاخی انسانها تبدیل شده و سازمانهای انساندوست جهانی به خطرناک بودن حکومت حاکم بر عراق و افزایش شمار اعدامیان در این کشور اشاره می کنند.

بر اساس گزارشات منتشر شده

در حال حاضر طبق آمارهای رسمی دولت (و نیز امنستی و سازمان ملل) ۱۵۰۰ نفر در زندان های عراق منتظر اجرای حکم اعدام هستند. اما به این آمار نمیتوان چندان اعتماد کرد چرا که زندان ها تحت نظارت نیستند و به این راحتی نمی توانید آمار صحیحی بدست آورید. آمار اعدام شده ها هم که گاهی منتشر میشود بیشتر مربوط به کسانی است که علنی اعدام شده اند، نه همه اعدام شده ها. بعنوان مثال زمانی که ما علیه حکم اعدام کوهستان صدیق کمپین اعلام کردیم، نمی دانستیم ۱۱ زن دیگر حکم اعدامشان صادر شده است. بعدها توانستیم اطلاعات بیشتری به دست بیاوریم. بیشتر این زنان براساس ماده ۶-۴ قانون اساسی حکم دریافت کرده اند که اتهام آنها قتل است، ولی کیس اعدام ها اکثرا سیاسی است و به مساله "امنیت" و "خیانت" مربوط میشود. چه امنیت داخلی باشد یا امنیت خارجی، چه افراد سیویل باشند، چه افراد نظامی. بعلاوه مجازات اعدام شامل از دین برگشته ها، همجنسگرائی، تجارت مواد مخدر و مسائل ناموسی هم میشود.

انترناسیونال: اعتراض به اعدام در عراق چگونه است؟ آیا خانواده ها تا کنون اعتراض دسته جمعی داشته اند؟

سمیر نوری: تا چند ماه قبل اعتراض قابل توجهی بشکل سازمان یافته و یا تجمعات اعتراضی علیه اعدام شکل نگرفته بود ولی اکنون وارد مرحله دیگری شده ایم. از آنجا که اکثر کسانی که به اعدام محکوم میشوند مشمول قانون اساسی و ماده ۴ ترور میشوند، لغو این قرار و همینطور لغو مجازات اعدام به خواست بسیاری از مردم تبدیل شده است. مخصوصا در اعتراضاتی که در منطقه ای که سنی ها ساکن

هستند پیش برده می شود. در تجمعات و راهپیمائی های اعتراضی صدای مبارزه برای لغو این احکام در قانون اساسی بلند شده است. همچنین مردم زیادی هستند که به اعدام اعتراض دارند. اما از کانالهایی که باید این اعتراضات را بروز دهند محروم هستند.

انترناسیونال: فعالیتهای شما چگونه بوده است؟

سمیر نوری: ما سالهای پیش برنامه های مختلفی در تلویزیون در مورد مساله اعدام پخش کردیم، دهها اعلامیه و اطلاعیه در مورد اعدام در منطقه صادر کردیم. گفتار و مطالب زیادی در این خصوص نوشته ایم و در این مدت تلاش کرده ایم شبکه ای علیه اعدام راه اندازی کنیم.

پژواک فعالیت ما را میتوان در عکس العمل حکومت هم مشاهده کرد. برخی از مسئولین حکومت نوری مالکی علیه فعالیت ما شروع به موضع گیری کرده اند و ما را حامی تروریسم! در عراق معرفی کرده اند.

ما در کنفرانسی در مرکز فرهنگی سفارت فرانسه در بغداد شرکت فعالی داشتیم و چند دیدار تلویزیونی هم داشتیم، این خودش کار خیلی مهمی بود و قدم بزرگی بود که ما در شهر بغداد صدایمان را بلند کردیم بر علیه مجازات اعدام! در يك برنامه تلویزیونی شرکت کردیم در تلویزیون جهانی "الحره" که مناظره ای بود بین من و عزت شایندر، سخنگوی کابینه نوری مالکی و عضو پارلمان عراق و احمد علوانی عضو پارلمان در کابینه العراقیه متعلق به لیست ایاد علاوی، يك ساعت بحث و گفتگو کردیم روی مساله اعدام که به دنبال آن دهها تلفن قدردانی از نقاط مختلف بدست من رسید.

ادامه صفحه ۱۱

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

درمورد دادگاههای شریعه

نامه به طرفداران "قانون برابر برای همه" در انگلستان



مریم نمازی

دوستان عزیز

مثل همیشه از حمایت‌های شما از فعالیتهای نهاد "قانون برابر برای همه" در انگلیس ممنون هستیم. همانطور که می‌دانید این روزها مسئله شریعه خیلی بیشتر مورد مباحثه در مطبوعات قرار گرفته است، از جمله اخیرا گزارشی از برنامه پانوراما در تلویزیون بی بی سی ورلد سرویس پخش شد که در آن گزارشگر بی بی سی در حالی که خودش را جای زنی که مشکل دارد جا زده زده بود، با قاضی یک دادگاه شریعه خواست طلاق خود را در میان میگذارد و از دادگاه شریعه مخفیانه فیلمبرداری میکند. با این نوشته میخواهم نگاهی به این برنامه بیندازم و همینطور مختصری هم از برنامه های آتی نهادمان شما را مطلع کنیم.

پانوراما

برنامه این هفته پانوراما در بی بی سی به اسم "رازهای شوراها شریعه در بریتانیا" نشان می‌دهد که چرا نهاد قانون برابر برای همه نزدیک به پنج سال است علیه سیستم تبعیض آمیز شریعه که موازی با سیستم قضائی انگلستان کار می‌کند، کمپین براه انداخته است.

ما بارها تکرار کرده ایم مخصوصا در جزوه ای که توسط "قانون برابر برای همه" تحت عنوان "دادگاههای شریعه در انگلستان، تهدیدی برای حقوق برابر و برابری

قانونی برای همه" منتشر شده که تحت قوانین این دادگاهها زنان به اسارت گرفته میشوند، به آنها گفته میشود خشونت را تحمل کنند، زنان مورد سرزنش قرار گرفته اند که خشونت همسرانشان تقصیر آنهاست، سالها تقاضای آنان برای طلاق رد شده است و در رابطه با دسترسی به کودکانشان امکانات رفاهی تحت فشار مضاعف قرار گرفته اند.

برنامه پانوراما همه حرفهای ما را تأیید می‌کند. قاضی عالی یکی از این دادگاهها به اسم صوحیب حسن (که سنگسار و قطع عضو را تبلیغ می‌کند) به گزارشگر مخفی بی بی سی که بعنوان یکی از زنانیکه درخواست طلاق دارد به این دادگاه مراجعه کرده است می‌گوید که در مورد خشونت شوهرش به پلیس مراجعه نکند. او همچنین اطلاعات غلط به این خانم می‌دهد مبنی بر اینکه اگر به پلیس خبر دهد که شوهرش او را زده "خودش باید خانه را ترک کند". در حالی که بر اساس قوانین انگلستان قربانی خشونت خانوادگی می‌تواند از دادگاه درخواست حکم تصرف خانه را بکند به این معنی که فردی که مرتکب خشونت شده حق نداشته باشد به آن خانه برگردد و یا حتی در محدوده مشخصی از نزدیکی آنجا ظاهر نشود و اگر این حکم زیرپا نهاده شود آنوقت فرد خاطی بعنوان مجرم تحت تعقیب قرار می‌گیرد. رهنمود آقای حسن کاملا ترساندن زنان و وادار کردن آنها به تمکین به دستورات دادگاههای شریعه است. آقای حسن قانون شریعه را توضیح می‌دهد که طبق آن شوهر حق کتک زدن زنش را دارد بشرط اینکه جای زدن او روی بدن زن نماند. او از این خانم می‌پرسد

آیا همسرش او را "بدجوری" زده و وقتی این خانم از او می‌پرسد منظورتان از بدجوری چیست می‌گوید "آیا آثار کبودی روی بدنشان برجا مانده است؟" این آخوند همچنین خبرنگار مخفی بی بی سی را مورد سوال قرار می‌دهد که چکار کرده که باعث شده شوهرش دست به خشونت بزند؟ او پیشنهاد می‌کند که این خانم از شوهرش بپرسد ببیند "آیا بخاطر آشپزی من است که کتک می‌خورم؟ آیا بخاطر این است که دوستانم را می‌بینم؟" سازمانهای مدافع حقوق زنان در طی سالیان فراوان جنگیده اند که این سیستم متعفن مقصر جلوه دادن قربانیان خشونت را به پایان برسانند و در این رابطه قدمهای بلندی بجلو برداشته شده است، اما متاسفانه بنظر می‌رسد این دستاوردهای بشری مشمول حال زنان مسلمان نمی‌شود.

آقای نظیر افضل دادستان دادگاههای عالی منطقه شمال غربی انگلیس می‌گوید "بیشتر دادگاههای شریعه بخوبی کارشان را پیش می‌برند اما بعضی از آنها مثل اینکه در فیلم است بطور واضحی دارند زنان را بخطر می‌اندازند". نهاد قانون برابر برای همه اما معتقد است که همه دادگاهها و شوراها شریعه زنان را بخطر می‌اندازند و آنها را در شرایط خطرناک نگه می‌دارند. دلیلش هم این نیست که عده از آخوندها کلاش هستند و اصول شریعه را زیرپا می‌گذارند، برعکس، دلیل بخطر انداختن زنان، تبعیت کامل از قوانین و اصول شریعه توسط این دادگاههاست.

طبق قوانین شریعه شهادت يك زن نصف شهادت يك مرد ارزش دارد، مرد یکطرفه حق طلاق زنش را دارد در حالیکه زن برای

طلاق گرفتن با محدودیتهای قانونی فراوانی روبروست. زنان ناچارند مهریه خود را ببخشند اگر همسرشان حاضر به طلاق آنها نشود (صرفنظر از اینکه نفس مهریه، سنتی عقب مانده و بدترین تحقیر و توهین به زنان است). حق حضانت بچه ها بعد از سن مشخصی به پدر تعلق دارد و خشونت تا زمانیکه جای آن روی بدن زن نمانده خشونت محسوب نمیشود. دادگاههای اسلامی اینرا بوضوح روشن کرده اند.

شوراهاى اسلامی و دادگاههای شریعه با این ادعا که آنها هم دارند از قوانین جامعه بریتانیا پیروی می‌کنند سعی در گمراه کردن افکار عمومی جامعه دارند. اما وقتی دستشان رو میشود معلوم میشود که در عمل دارند کاملا خلاف قوانین مدنی جامعه رفتار می‌کنند.

دادگاههای اسلامی همچنین سعی در مرعوب کردن کسانی دارند که دست به افشاگری علیه این دادگاهها می‌زنند و یا قوانین آنها را زیر سوال می‌برند. دادگاه شریعه برنامه پانوراما را متهم به افترا زدن کرده و آنرا متهم به تغذیه راسیسم علیه مسلمانان کرده است. خیلی واضح است زنان مسلمانی که حقوقشان توسط این دادگاهها نقض میشود هم خواهان برابری و قانون برابر برای همه هستند و به راسیسم و تبعیضی که در عمل آنها را از دیگران، بخاطر اینکه آنها را "متفاوت" قلمداد کرده است، جدا کرده و آنها را مشمول استانداردهای متفاوت می‌کند، اعتراض دارند.

در حالیکه همه مردم حق دارند مذهب خودشان را داشته باشند و یا بدون مذهب باشند، وجود دادگاههای شریعه هیچ ربطی به مسئله حق داشتن و یا نداشتن مذهب ندارند. آنها به يك جنبش سیاسی مشخص تعلق دارند، جنبش اسلام سیاسی. گفتن اینکه داشتن دادگاههای شریعه يك حق است مانند این است که بگوئید

تبعیض علیه زنان هم يك حق است. هیچ حقی بعنوان حق سرکوب و تبعیض وجود ندارد.

دیگر بس است!

دولت بریتانیا باید حقوق برابر همه شهروندان و برابری بین آنها را فراتر و مقدم بر قوانین مذهبی قرار داده و یکبار برای همیشه به این رسوائی پایان دهد. ما از همه مردم می‌خواهیم که همچنان دولت را برای پایان دادن به این تبعیضات تحت فشار بگذارند. واضح است که پیام ما دارد به گوش خلیها می‌رسد ما باید همچنان تا پیروزی به مباره خود ادامه دهیم.

شما هم می‌توانید اسم خود را به لیست ۲۹۰۰۰ امضای طومار ما علیه دادگاههای شریعه، اضافه کنید.

لایحه برابری

نهاد "قانون برابر برای همه" همچنان به همکاری خود با "کارولاین کاکس" برای تقویت و بهبود فعالیتهای او در رابطه با پیشبرد لایحه برابری ادامه می‌دهد. هدف این لایحه و ملحقات آن خواستار این است که کار دادگاههای مذهبی که زنان را با توصیه های نادرست خود به بیراهه می‌کشاند، جرم محسوب شود و همه دادگاههای غیر دولتی تحت چهارچوب قوانین حقوق بشر انگلستان تشکیل شود. این لایحه همچنین می‌خواهد نهادهای خدمات عمومی را به لحاظ قانونی موظف کند که برای زنان مشاوره های درست در مورد قوانین انگلستان و حقوق آنها تحت این قوانین ارائه دهند. این لایحه مورد استقبال و حمایت سازمانهای حقوق زنان مانند سازمان اینسپایر، سازمان حقوق زنان پناهنده ایرانی و کرد، بنیاد هنا، سازمان کارما ناروینا و سازمان مسلمانان انگلستان برای سکولاریسم و دموکراسی واقع شده

کنفرانس سازمان اکس مسلم در کلن آلمان با موفقیت برگزار شد

روز جمعه در شهر کلن آلمان، کنفرانسی در نقد به سیاست دولت آلمان و برگزاری کنفرانس اسلام در برلین که روز سه شنبه ۷ ماه مه برای سومین بار برگزار میشود، تشکیل شد. در این کنفرانس پنج سخنران در سخنرانیهای خود از جنبه های مختلف به سیاست مامشات و همکاری دولت آلمان با جنبش اسلامی و سازمانهای اسلامی پرداخته و این سیاستها را محکوم کردند. لازم به یاد آوری است که کنفرانس دیگری در برلین از روز ۱۰ تا ۱۲ ماه مه برگزار میشود با عنوان کنفرانس انتقادی به اسلام که در آنجا نیز سخنرانان متعددی حضور خواهند داشت و مینا احدی نیز در آن کنفرانس دو روزه سخنرانی خواهد کرد.

در کنفرانس شهر کلن آلمان، ابتدا نازنین برومند گرداننده این کنفرانس به حاضرین خوشامد گفت و با معرفی کنفرانس اسلام که از سال ۲۰۰۶ به دعوت دولت آلمان برگزار میشود، گفت ما به این سیاست مامشات دولت آلمان با جنبش اسلامی معترض بودیم و تشکیل نهاد اکس مسلم در حقیقت در اعتراض به این سیاست بود. او سپس برنامه کنفرانس را اعلام کرد. اولین قسمت برنامه پخش فیلمی از یک دختر جوان ترک تبار بود که بدلیل سخت گیریهای خانواده و تحت فشار گذاشتن او به رعایت حجاب و همچنین مقابله با آزادی های فردی او در آلمان، خانواده اش را ترک کرده و نزد یک خانواده آلمانی زندگی میکند، این دختر خود را اکس مسلم معرفی میکند و از زندگی جدیدش میگوید.

سپس اولین سخنران این جلسه هارتموت کراوس را نازنین برومند معرفی کرد و گفت هارتموت یک مارکسیست آلمانی است که کتابهای زیادی نوشته و

دیده ام و این دختر جوان کنه مسئله را اعلام کرد و ما باید علیه سیاست و رفتاری باشیم که آزادی کودکان و جوانان را محدود میکند. او گفت که نمیتوان با این

هایی در جریان است که مهم است و نسل جوان در آنجا مبارزه میکنند و خواست آنها آزادی است و در عمل علیه جنبش اسلامی مبارزه میکنند. توماس از این مبارزات



با نمایندگان عقب مانده ترین و مرتجع ترین سازمانها، تشکیل داده و چهار میلیون مردم را به عنوان مسلمان تقدیم این سازمانها کرد و زیر دست و پای آنها انداخته است. مینا احدی به سایت وزارت داخله در مورد کنفرانس اسلام اشاره کرد و تبلیغ حجاب و یا شریعه در این سایت را یک افتضاح کامل نامید و گفت باید به همراه مردم آزادیخواه و انسان دوست و مدرن در آلمان متحدانه علیه دخالت کلیسا و سازمانهای اسلامی در آموزش و پرورش و سیستم حکومت مقابله کرد و از سکولاریسم و آزادی بیان متحدانه دفاع کرد. سخنرانی مینا بارها با تشویق حاضرین مواجه شد. آخرین سخنران ادوارد فوی روی بود. او معلم است و در یک سخنرانی موجز در مورد تاثیرات منفی همکاری با جنبش اسلامی در آلمان حرف زد.

در پایان قطعنامه ای به تصویب این نشست رسید که ترجمه آنرا بزودی اعلام میکنیم. لازم به یادآوری است که قبل از این کنفرانس که از ساعت شش و نیم عصر شروع شد نهاد اکس مسلم در آلمان کنفرانس سالیانه خود را داشت و در آن کنفرانس در مورد فعالیتهای یکسال گذشته این نهاد و برنامه یک سال آتی گفتگو شد.

برای سازماندهی و برگزاری این کنفرانس دوستان زیادی زحمت کشیده و تدارک دیده بودند بدین وسیله از همه این عزیزان تشکر میکنیم. فیلم های سخنرانیها و همچنین مصاحبه با حاضرین بزودی منتشر میشود.*

دفاع کرد. بعد از یک استراحت بخش دوم برنامه با نمایش فیلمی از پتی دبویتا در مورد فعالیتهای اکس مسلم ادامه یافت. فیلمی کوتاه و بسیار زیبا که به معرفی سازمانهای اکس مسلم و بخش هایی از مبارزه این نهادها علیه حجاب و جنبش اسلامی با پخش صحبت های مریم نمازی و مینا احدی پرداخته است. این فیلم بخش کوتاهی از یک فیلم بلند تر است که پتی آنرا تهیه کرده است. سپس مینا احدی سخنرانی کرد. او بشدت به دولت آلمان انتقاد کرد که از ده سال قبل همه مردمی که از کشورهای اسلامزده آمده اند را مهر مسلمان زد و سپس کنفرانسی

سیاست و فرهنگ مامشات کرد. سخنران بعدی این نشست توماس فون د اوستن ساکن بود. او مسئول نهادی است به اسم وادی که بویژه در عراق پروژه های متعددی در دفاع از حقوق زنان و کودکان به پیش میبرد. توماس گفت که او به کشورهای مختلف از جمله عراق و سودان و تونس و مصر و غیره سفر میکند و در دانشگاهها و یا مراکز متعدد این کشورها سخنرانی میکند. او گفت نقد شدیدی را که امروز در این جلسه علیه جنبش اسلامی و اسلام مطرح میکند، در همان دانشگاه تونس و یا مصر هم با همین شدت حرف میزند و از او استقبال میکنند او گفت در خاورمیانه و شمال افریقا جنبش

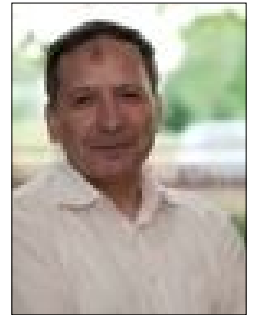
یکی از تمرکز فعالیت هایش نقد اسلام است. هارتموت کراوس در سخنرانی خود به نقد و بررسی قرارداد دولت آلمان با سازمانهای اسلامی پرداخت و گفت اسلامیها خواهان آموزش اسلام و آموزش امام و پیشبرد حجاب اسلامی در آلمان هستند و این پروژه با کنفرانس اسلام و غیره در حال پیاده شدن است. او شدیداً به این سیاست انتقاد کرد.

سخنران بعدی گابی اشمیت بود. معلمی که از نزدیک با مشکلات جوانان در آلمان آشناست و او سخنرانی خود را با اشاره به فیلمی که در اول کنفرانس نمایش داده شد، شروع کرد و گفت من از این نوع مشکلات در کارم زیاد

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

بعد از رعنا پلازا، جنایت در بنگلادش ادامه دارد



بهروز مهربادی

است با اعمال نفوذ و پرداخت رشوه این ساختمان را ساخته و مورد بهره برداری قرار داده است. یک مرکز خرید در طبقه پائین این ساختمان و چندین کارخانه تولید پوشاک در طبقات بالاتر وجود داشت است. با وجود مشاهده شکاف های بزرگ در دیوارها و سقف های طبقات ساختمان، بجز یک بانک هیچ کدام از کارخانه ها،

فروشگاهها و موسسات موجود در این ساختمان بزرگ تعطیل نشده اند. کارفرمایان کارگران را به زور و با تهدید به اخراج برای تولید هر چه بیشتر سود به داخل این ساختمان در حال سقوط فرستاده اند.

کارگران بنگلادش با برگزاری تظاهرات گسترده به این جنایت آشکار اعتراض کردند. در بسیاری از کارخانه ها کارگران دست از کار کشیده و خواستار ایمنی در محل کار خود شدند و نخست وزیر بنگلادش وقیحانه کارگران را تهدید کرد که اگر به سر کار خود برنگردند، اخراج خواهند شد.

اما در مقابل خشم کارگران دولت ناچار به عقب نشینی هایی شد. هشت نفر از جمله مالک و مهندسین ساختمان بخاطر "سهل انگاری" بازداشت شدند. ۱۸ کارخانه نساجی بخاطر نداشتن شرایط ایمنی تعطیل شدند. اما کارگران بنگلادش به این قانع نیستند. کارگران، تشکل های کارگری و گزارش های منتشر شده می گویند که کارگران در هیچ کدام از هزاران کارگاه و کارخانه نساجی

در حالی که هنوز تلاش برای بیرون کشیدن اجساد قربانیان از زیر آوار ساختمان رعنا پلازا در بنگلادش ادامه دارد، ۸ نفر در آتش سوزی در یک کارخانه پوشاک در منطقه صنعتی میرپور داکا جان خود را از دست دادند. در این کارخانه نزدیک به ۱۰۰۰ کارگر کار می کنند اما کار روزانه ساعتی قبل از وقوع آتش سوزی پایان یافته و اکثریت کارگران کارخانه را ترک کرده بودند، ابعاد این فاجعه می توانست بسیار بزرگتر باشد. علت آتشسوزی عدم رعایت مسائل ایمنی گزارش شده است.

تا صبح روز جمعه ۲۰ اردیبهشت تعداد کشته شدگان در ساختمان رعنا پلازا از مرز هزار نفر گذشته است. تعداد مجروحین هم بیش از هزار نفر برآورد می شود. در روزهای اخیر حقایق بیشتری در مورد این فاجعه دلخراش افشا شده است. این ساختمان بدون داشتن مجوز قانونی و بدون در نظر گرفتن کمترین اصول ایمنی ساخته شده است. مالک این ساختمان که خود از رهبران حزب حاکم عوامی لیگ



کارگران خشمگین بنگلادش خواستار مجازات قاتلان و بهبودی شرایط کار خود هستند

شریکند. فاجعه کشته شدن کارگران در بنگلادش بار دیگر یادآوری می کند که صف متحد کارگران و ۹۹ درصدی ها باید در مقابل توحش و حرص سیری ناپذیر یک درصدی های حاکم بر جهان بپا خیزد و به این جنایات پایان دهد.

بنگلادش تمام می شود. این "سهل انگاری" نیست بلکه یک جنایت آشکار سرمایه است. دولت سرمایه داری بنگلادش، مالکین کارخانه ها و کمپانی های بزرگ فروش پوشاک در سراسر جهان در این جرم

و تولید پوشاک در بنگلادش از امنیت جانی برخوردار نیستند. تولید پوشاک به قیمت هر چه ارزانتر و سودهای میلیاردری کمپانی های بزرگ فروش لباس به قیمت فقر، سیاهروزی و مرگ هزاران کارگران نساجی و پوشاک



آتش سوزی در کارخانه پوشاک در داکا

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

بازتاب هفته

شکنجه در ملاعام

یاشار سهندی

روز چهارشنبه خبر و تصاویر هولناکی در سایتهای حکومتی منتشر شد. جوانی به جرم قتل به اعدام محکوم شده و حکومت برای مراسم اعدام را در ملاعام به اجرا گذاشته بود. جوان در حال جان کندن بود که خانواده مقتول از اعدام صرفنظر کردند و محکوم در آخرین لحظات از مرگ نجات یافت. خبرنگاری فارس اقدام به انتشار عکس ها و فیلم این مراسم شنیع کرد. در عکس های منتشر شده جان کندن یک انسان بالای چوبه دار قلب هر کسی را از جا میکند. آخوندی جلا، میرغضبان نقاب پوش،

محکوم با چشم بند، کشیدن صندلی از زیر پای محکوم، بالا بردن جرثقیل، جان کندن محکوم که از شدت درد و عذاب دستبند و پابند را از هم شکافته و میان زمین و آسمان میچرخد، اینها گوشه هایی دلهره آور جنایت تازه حکومت اسلامی است که در این عکسها ثبت شده است.

خبرگزاری مذکور در فیلمی که منتشر کرده در ابتدای این فیلم جمله ای را از پیامبر اسلام یاد آور شده که گویا اگر کسی مجرمی را مورد عفو قرار دهد در این دنیا و در آن دنیا ثواب زیادی میبرد! این را از قول پیامبری گفته شده که نه خودش "رحیم" بوده نه در دین مبینش یک ذره رحم و مروت وجود

دارد. کتاب آسمانی این دین مملو از وعده عذابهای هولناک در آخرت است یعنی بعد از مرگ هم دست از انسانها بر نمی دارند و تا ابدیت شکنجه انسانها ادامه خواهد داشت. و در این دنیای که فانی اش میخوانند "بندگان خوب خدا" با اتکا به آیات شریف (!) قرآن هر چه از شناعت میشود سراغ کرد، به نمایش میگذارند و گذاشته اند. نمونه اش، همین اعدام های گسترده و علنی است که هفته ای نیست در گوشه ای از این مملکت به اجرا نگذارند. نمونه اش، پرورش قاتلانی مانند خلخالی و لاجوردی، حاجی رحمانی، نیک آیین، خوش کوش، سعید امامی، شریعتمداری، مرتضوی و... است که جنایات خود را جز برای رضای خدا و رسولش انجام ندادند و آخوند هایی که با صدور همه فتوهای ارتداد و قتل و سب النبی کردن مقتولان انتظاری جز پاداش در "آخرت" ندارند.

"قصاص" که در قانون مجازات اسلامی این حکومت بر آن تاکید شده یکی از شنیع ترین قوانین مجازات است که میتوان سراغ کرد. مجازاتی که با خشونت کامل به اجرا گذاشته میشود و خشونت دائمی را دامن میزند. این قانون "حق" انجام جنایت را به خانواده یک قربانی می دهد و عملاً آن خانواده را به قاتل تبدیل میکند. و دولت قتلی را سازمان میدهد تا جامعه را مرعوب کند و وقیحانه آنرا بر گردن خانواده مقتول می اندازد.

در نمایش اخیر خانواده مقتول تا آنجا پیش برده شدند که عملاً تداعی کننده یکی از شکنجه های متداول حکومت در زندانها میباشد و آن اقدام به اعدام هایی است که نمایشی خوانده میشوند تا مقاومت زندانی را در هم شکنند و اکنون حکومت با اقدام به این کار در ملاعام عملاً به آن رسمیت داده

است. رسانه های حکومت این خبر را بزرگ کردند تا رفت اسلامی حکومت را به نمایش گذاشته باشند، رفتی که جز شکنجه کردن یک انسان هیچ معنای دیگری ندارد. این اعمال تنها از حکومتی بر می آید که ماموریتی جز سرکوب انسان و انسانیت ندارد. خانواده مقتول را در موقعیتی قرار دادند که انسانی را به "خونخواهی" بکشند و یا با اجرای اعدام و سپس بخشش به شکنجه گر تبدیل شان کنند، این یکی از آن تبهکاریهای بزرگی است که این حکومت از آن لذت وافر میبرد. شکنجه با این حکومت عجیب است. عدالت در این حکومت شکنجه کردن انسانها به شقاوتبار ترین شکل ممکن است آنچه در این آخرین پرده آن اتفاق افتاد اوج دناوت و وحشیگری بود و تنها با سرنگونی این حکومت این اعمال به پایان خواهد رسید.

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

ساعات پخش: همه روزه ۶ و نیم تا ۷ و نیم شب به وقت ایران ۴ تا ۵ به وقت اروپای مرکزی و مجدداً

۱۰ و نیم تا یک و نیم شب به وقت ایران (هشت تا یازده شب به وقت اروپای مرکزی)

کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید!

فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

شماره حساب:

Engalnd
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN:GB77 NWBK 6024 2345
4779 81
BIC: NWBK GB 2L

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۵/۶

<http://www.newchannel.tv/>
nctv.tamas@gmail.com



تعفن فحشای اسلامی

فرح صبری

در باره ی لجن پراکنی دین اسلام بر علیه زنان بسیار نوشته و گفته شده است اما باید این تفکر پوسیده را آنچنان رسوا کرد تا دیگر بشریت نخواهد بوی تعفن این نعش گندیده را تاب بیاورد و اسلامیون به اصطلاح روشن فکر جرات سر بلند کردن و دفاع از قوانین اسلامی را نداشته باشند.

ازدواج موقت از جمله احکامی است که است که گنبدیدگی و وقاحت قوانین اسلامی را کاملاً به نمایش میگذارد و جمهوری اسلامی بیشرمانه قوانین کثیفی را برای حفظ و اشاعه ی این فحشای اسلامی تصویب کرده است. در ماده ی ۱۰۷۵ قانون مدنی، ازدواج موقت در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده است. هرچند که "علمای" اسلام دلیل وجود و کثرت ازدواج موقت را میزان بالای تعداد جوانان و دشواری شرایط ازدواج میدانند اما واقعیت این است که فحشای اسلامی نیز مانند همه جای دنیا ریشه در فقر جامعه دارد و هرچه فقر بیشتر میشود فحشا نیز بیشتر است. همانطور که دیکتاتوری اسلامی شنیع ترین شکل دیکتاتوری است فحشای اسلامی نیز بسیار ضد انسانی تر از دیگر اشکال فحشا میباشد و زنان قربانی این صنعت کثیف، بیحقوق ترین اقشار جامعه را تشکیل میدهند.

بنا به ماده ی ۱۱۱۳ قانون با اصطلاح مدنی "در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده باشد یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد". اما

حتی در صورت شرط نفقه، ترک انفاق شوهر عمل مجرمانه نیست و زن تنها میتواند از دادگاه الزام شوهر به دادن نفقه را درخواست کند".

زنان بسیاری، وقتی دیگر شرایط برده وار چهارچوب خانواده را تاب نمی آورند و ناچار به دادگاههای خانواده پناه میبرند اسیر این قوانین پوسیده ی اسلامی هستند و بعد از کلی جنگ و جدال چندرغازی به کف دست زنان میاندازند و بعد به قول خودشان میگویند: خوب نفقه ات را که تعیین کردیم حالا باید از شوهرت تمکین کنی! هرچند که در همان چهارچوب گندیده هیچ ضمانت اجرایی برای پرداخت نفقه وجود ندارد. و بعضاً زنان بعد از سالها زندگی مشترک بدون داشتن هیچ سرپناه و دستمایه ای که بتوانند با آن گذران زندگی کنند، رها میشوند. این قانون میگوید که زنانی که به عقد موقت در آمده اند مستحق گرفتن این نفقه هم نیستند! والبته اسلام تمام حق و حقوق زنان را در تعیین نفقه و مهریه خلاصه میکنند. یعنی کفایت برای به بردگی گرفتن زنان نرخ آنرا تعیین کنند حتی اگر ضمانتی برای پرداخت همین نرخ هم نباشد. البته این قوانین کثیف لطف میکنند و وجود مهریه را برای رسمیت یافتن عقد موقت الزامی میداند و "مطابق مواد ۱۰۹۵ تا ۱۰۹۸ قانون مدنی ترتیباتی داده که مهریه ی زن در ازدواج موقت به هر ترتیب به وی تسلیم شود. زن پس از جاری شدن عقد مالک مهر می شود و اتفاقاتی چون فوت زن در زمان ازدواج، عدم نزدیکی شوهر با وی تا اتمام مدت عقد و

بخشیدن زمان عقد از طرف شوهر مهر را ساقط نمی کنند" زنی را میشناسم که میگفت: دیگر تحمل شوهرم را نداشتم. دیگر نه جثه و نه صبر و حوصله ی جوانیم را داشتم، ۳۰ سال مثل کلفت در اختیارش بودم. "آره" و "نه" ی او حجت بود و من هیچ اختیاری از خود نداشتم، بدون اجازه ی او نفس هم نمی کشیدم. کتک خوردن ساده ترین خفتی بود که بر سرم می آورد، مثل یک آدم سادسی همیشه آزارم میداد. برای بچه هایم زندگی کردم به این امید که آنها را خوشبخت ببینم ولی به قولی این خشت از اول کج بود. تلاش من هم بیهوده بود هیچ کدام از بچه هایم خوشبخت نشدند چون میخواستند از جهنم این خانه فرار کنند. هرکدام تن به ازدواجهای ناموفق دادند و تنها پسر هم به جرم اعتیاد در زندان است. بدبختی فرزندانم دیگر برای من انگیزه ای باقی نگذاشت و بعد از اولین نافرمانی ام، شوهرم من و دختر کوچکم را از خانه بیرون کرد و من بدون هیچ پس انداز و هیچ پشتوانه ای از خانه ای که عمر و جوانیم را گذاشته بودم بیرون انداخته شدم. جواب دادگاه اسلامی برای تمام زندگی من تعیین ماهیانه ۷۰ هزار تومان نفقه بود و کل مهریه مرا ۷ میلیون تومان محاسبه کردند که قسط بندی شد که برای گرفتنش باید هر ماه راهرو های دادگاه را بالا و پایین بروم. تازه میگفتند باید تمکین کنم و دوباره به آن جهنم بازگردم".

زن دیگری از دردهایش اینگونه میگفت: ۱۳ ساله بودم که بزور مرا شوهر دادند. من موافق این ازدواج نبودم و مجبور

شدم بیست سال باکسی زندگی کنم که کمترین علاقه ای به او نداشتم. تمام آن سالها را تحمل کردم تا زندگی به من این فرصت را بدهد بلکه بتوانم خودم را خلاص کنم و حتی اگر مدت کوتاهی هم هست برای خودم زندگی کنم. برای همین بعد از بزرگ شدن بچه هایم درخواست طلاق دادم و البته شوهرم نیز چون عزم جزم من را میدانست با طلاق موافقت کرد اما بدون هیچ حق و حقوقی از زندگی مشترک بیست ساله مان خارج شدم غافل از اینکه نمیدانستم این دنیا همه جایش بر علیه ماست. نه کسی به یک زن تنها اتاقی اجاره میداد و نه من از پس کرایه ها بر میامدم شروع به کار در کارخانه کردم و خوشحال بودم که توانسته ام کاری پیدا کنم، اما اذیت و آزارهای محیط کار برای یک زن مطلقه برابم غیر قابل تحمل بود مدت زیادی نگذشت که فهمیدم حتی بدر کار در کارخانه هم نمیخورم. از پس زندگیم بر نیامدم و نمیدانستم چه کنم و پیشنهاد صیغه ی پیر مردی را قبول کردم. هرچند که همیشه کلمه ی صیغه برایم تنفرانگیز بود ولی زندگی من را به اینجا کشاند و برای گذران باقی عمرم باید منتظر باشم ببینم کی این پیرمرد به دور از چشم خانواده اش سری هم به من میزند و اینگونه روزگار میگذرانم".

کم نیستند دختران جوانی که بخاطر نداشتن هیچ تأمیننی در زندگی به ازدواج های موقت تن میدهند و البته قانون نا مبارک

اسلامی هم در تمامی موارد شرایط این معامله ی بردگی جنسی را تعیین کرده است. از اینکه دختر میتواند از ۱۳ سالگی به عقد در بیاید و البته اجازه ی پدر را برای رسمیت یافتن آن لازم میدانند و همینطور از اینکه اگر ازدواج موقت در دفتر ثبت نشده باشد فرزندان این ازدواج از حقی برای ارثیه برخوردار نیستند و حتی هویت شناسنامه ای نیز نصیبشان نمیشود، و اینکه مرد میتواند هر زمان که بخواهد این رابطه را به پایان برده و تنها کافیست مبلغ تعیین شده را بپردازد، اما زن باید تا پایان قرارداد موقت بردگی در خدمت باشد. کلماتی مانند نفقه و مهریه و تمکین و عقد و از این قبیل، برای زنان در جمهوری اسلامی مفاهیم بسیار پر دودی است که عمر و زندگیشان را به تباهی میکشاند. از همین رو زنان با قدرت هر چه بیشتر برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کوتاه شدن دست مذهب از زندگی انسانها تلاش میکنند. ننگ بر کسانی که میخواهند با آبروداری کردن از اسلام جهنم زیر پای انسانها را در جوامع بشری همچنان حفظ کنند. زنده باد یک دنیای بهتر!*

سوسیالیسم بپا خیز!
برای رفع تبعیض

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

کارگران و چشم انداز سیاسی آینده

از صفحه ۳

اقتصادی به روشنی یعنی راه افتادن چرخهای تولید و گردش سرمایه. برای پیشبرد این امر طبعاً کارگر باید سالها دندان روی جگرش بگذارد تا اقتصاد احیا شود. این وعده ایست که امثال او وقیل از او داریوش همایون و غیره به کارگران و کل جامعه میدهند. معنای عملی آن نیز اجرای همان طرحهای ریاضت اقتصادی صندوق بین المللی پول و کشیدن کار بیشتر از گرده کارگر است. البته انتظار بیشتری نیز از رضا پهلوی نیست. رسالتش همین است.

جدا از این نمونه های بالا رفتن حجم مصاحبه ها و گفتار بر سر "مسائل کارگران" در رسانه های شناخته شده ای چون صدای آمریکا و بی بی سی و غیره است. نمونه دیگر گزارش بی بی سی رسانه معرف حضور همگان، در رابطه با اول مه امسال در ایران است. این گزارش از "صدای کم طنین اعتراض" در ایران سخن میگوید. با این گزارش بی بی سی تلاش دارد مارش با شکوه کارگران در خیابان غفور شهر سنندج با شعارهای نان مسکن آزادی، اتحاد اتحاد کارگران اتحاد، کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد را، حاشیه ای وانمود کند. در مقابل بی بی سی با آب و تاب فراوان از تجمعی که به فراخوان خانه کارگر جمهوری اسلامی بر پا شده بود و سخنان محبوب نماینده مجلس اسلامی تحت عنوان تجمعات کارگران در اول مه، گزارش میدهد. بدون اینکه در این گزارشات ذره ای اشاره به این شده باشد که در همین مراسم های دولتی نیز هر جا که کارگران فرصت کردند، آنجا را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. بدون اینکه در آنها اشاره ای به این شده باشد که چگونه رژیم اسلامی حتی

از دادن مجوز به خانه کارگر خود وحشت داشت، چون میدانست اوضاع را در کنترل نخواهد داشت و کارگران خیابانها را از آن خود میکردند. اینها همه نشانگر تلاش همه این جریانها از ملی اسلامی ها گرفته تا رضا پهلوی و مدیای رسمی بورژوازی و غیره برای اینست که کارگر را به سیاهی لشکر خود تبدیل کنند تا بتوانند جامعه را برای طرحهای مهندسی شده خود و آلترناتیو سازی از بالای سر جامعه آماده کنند.

اما همه شواهد و از جمله قطعنامه های اول مه روز جهانی کارگران به روشنی نشان میدهد که کارگران و رهبران اهداف پشت این تحرکات را میشناسند و میتوانند از آن عبور کنند. کارگران و مردم ایران را نمیتوان به بیعت با قانون اساسی و "جنبش سبز امید" و غیره کشاند. جامعه ایران تشنه تحولات زیر و رو کننده ای است و روشن است که به این بازی ها تمکین نخواهد کرد.

نکته قابل تامل اینست که دیدن همه این تقلاها و دیدن موقعیت جنبش کارگری در سیر تحولات سیاسی امروز جامعه حیاتی و کلیدی است. ابزار وجود جنبش کارگری و رهبران یک فاکتور مهم برای عقب زدن آلترناتیوهای راست و هر نوع زد و بند از بالای سر جامعه است. در عین حال تنها راه برای بسیج کل جامعه با خواسته های انسانی و روشن برای سرنوشتی کل حکومت اسلامی است.

به این معنا باید موقعیت تاریخی امروز جنبش کارگری در اوضاع متحول امروز ایران را دید و به وظیفه خطیری که در مقابل ما قرار دارد پاسخ داد. در چنین شرایطی بیش از هر وقت یک محور مهم کار ما هدایت سیاسی و سازماندهی اعتراضات کارگری

درمورد دادگاههای شریعه

از صفحه ۵

است. سال گذشته برای دومین بار این لایحه در مجلس اعیان به تصویب رسید. اما هنوز بخاطر اینکه دولت حاضر نیست از آن حمایت کند این لایحه روی زمین مانده است. در ماه مه امسال دوباره این لایحه به مجلس ارائه داده خواهد شد و ما حتماً شما را در جریان پیشرفت کارها قرار خواهیم داد.

مسابقه مقاله نویسی

قانون برابر برای همه در همکاری با جامعه وکلای سکولار از دانشجویان در سراسر اروپا می خواهد که در رابطه با دادگاههای اسلامی خانواده و قوانین جنائی در کشورهای مختلف اروپا مقاله نوشته و برای ما بفرستند. جامعه وکلای سکولار به فرد برنده در این مسابقه جایزه اعطا خواهد کرد. مقالات باید تا آخر تابستان فرستاده شوند و اطلاعات و جزئیات مربوط به چگونگی فرستادن آنها و شرایط آن بزودی روی صفحه اینترنت منتشر خواهد شد.

فستیوال آهنگ و شور برای آزادی

قانون برابر برای همه، موسیقیدانان و آهنگ پردازان را فرا می خواند که در مسابقه آهنگ پردازی و آواز شرکت کنند و کارهای خود را برای شرکت در این مسابقه بفرستند. آهنگهای ارائه شده باید روی کارهایی که قانون برابر برای همه انجام می دهد

است. فراخوان ما عرض اندام جنبش کارگری و رهبران آن در جلوی صف اعتراضات کل جامعه است. فراخوان ما عمل متحد تشکل ها و رهبران کارگری برای سازماندهی اعتراضات قدرتمند و

مانند مذهب، آزادی، سکولاریسم، دادگاههای شریعه، حقوق برابر و غیره تمرکز داشته باشند. آخرین مهلت برای فرستادن آهنگ ۳۱ دسامبر است. برای اطلاعات بیشتر می توانید به این صفحه مراجعه کنید:

<http://www.onelawforall.org.uk/sounds-of-freedom/>

پنجمین فستیوال هنری در روزهای ۲ تا ۹ نوامبر برگزار می شود. مهلت فرستادن کارهای هنری برای این فستیوال تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۳ است. شرایط فرستادن کارهای هنری را می توانید در این صفحه ببینید:

<http://www.onelawforall.org.uk/30-september-deadline-for-submissions-to-5th-passion-for-freedom-art-festival/>

فعالیت های دیگر

امسال ما گزارشی در مورد حمایت بعضی از سیاستمداران چپ از جریانها اسلامی منتشر خواهیم کرد تحت عنوان "همسویی با سرکوبگران: چپ طرفدار اسلام". همچنین گزارش "مولتی کالچرالیزم (چند فرهنگی) و حفاظت از حقوق کودک در بریتانیا: قوانین شریعه و شکستهای دیگر" بزودی در دسترس خواهد بود.

ما همچنین در شهرها و مراسمهای مختلف سخنرانی خواهیم داشت از جمله: لیستر، واشنگتن دی سی، بوستون،

گسترده کارگری است. فراخوان به اعتصابات کارگری و رفتن به سوی متحد کردن کارگران حول خواسته های سراسری است. نکته مهم اینست که اوضاع ملتتهب است. جنبش کارگری در یک

دابلین، برایتون و نیویورک. اطلاعات کامل را می توانید در این صفحه پیدا کنید:

<http://www.onelawforall.org.uk/category/events/upcoming-events/>

از ما حمایت کنید

اگر می توانید به حمایت های خود از کارهای فوق العاده ضروری ما ادامه دهید. برای کمک مالی می توانید چکهای خود را به اسم "قانون برابر برای همه" به آدرس پستی زیر بفرستید و یا از طریق پی پال کمکهایتان را به ما برسانید. اگر می خواهید ماهانه از طریق بانک به ما کمک کنید لازم است حد اقل بین ۵ تا ۱۰ پوند ماهانه از طریق پرداختی مستقیم بپردازید. برای اطلاعات بیشتر در این مورد و ملحق شدن به کلوب اسپانسرهای ما می توانید به این صفحه مراجعه کنید:

<http://www.onelawforall.org.uk/donate/>

با تشکر مجدد از حمایت های شما. تشکر ویژه برای کسانی که ماهانه به ما کمک مالی می کنند که بسیار مورد نیاز است. با بهترین آرزوها
Maryam Namazie
Anne Marie Waters
Spokespersons
One Law for All
BM Box2387, London
WC1N 3XX, UK
tel: +44 (0)
7719166731
email: onelawforall@gmail.com
web: <http://www.onelawforall.org.uk/>
Company limited by guarantee and registered in England and Wales under company number 8122621.

موقعیت کلیدی قرار دارد. فراخوان ما به پیوستن وسیع به حزب کمونیست کارگری ایران و دادن چتری سراسری به اعتراضات توده های میلیونی مردم در تمام عرصه های نبرد با رژیم اسلامی است.*

عراق تاریخ خونباری از اعدام پشت سر دارد

از صفحه ۴

در حال حاضر ما بعنوان کمیته لغو مجازات اعدام فعالیت میکنیم. همچنین من به نمایندگی از طرف "اتلاف جهانی برای لغو مجازات اعدام" در کردستان فعالیت میکنم.

انترناسیونال: شما در کنفرانس هایی در کشورهای دیگر شرکت کرده اید بویژه در کشورهای عربی. میتوانید بگویند دقیقاً در چه کنفرانس هایی شرکت داشتید و موضوع این کنفرانس ها چه بوده است؟

سمیر نوری: من از طرف "اتلاف جهانی برای لغو مجازات اعدام" که دفتر آن در فرانسه است دعوت شدم برای شرکت در کنگره منطقه شمال و مرکز آفریقا که در ماه اکتبر ۲۰۱۲ در شهر ریاض در مراکش برپا شده بود. بیش از ۵۰۰ نفر در این کنگره شرکت کرده بودند. این کنگره فرصت مهمی برای من بود که صدای مبارزه علیه اعدام در عراق را نمایندگی کنم. با خیلی ها آشنا شدم و ارتباطات خوبی با نمایندگان که بویژه از کشورهای عرب زبان آمده بودند برقرار کردم. در این کنگره در پانل شرکت نداشتم اما در بحث و گفتگوها شرکت فعالی داشتم و علیه اسلام سیاسی و اعدام حرف زدم و از سکولاریزم و لغو مجازات اعدام صحبت کردم. حضور من در آنجا باعث شد برای گروه‌های اسلو از من دعوت کنند که در ماه دسامبر انجام شد. علاوه بر این در یک برنامه تلویزیونی که ماهواره الجزیره آن را برگزار کرد هم شرکت داشتم.

در گردهمایی اسلو که شخصیت‌های آکادمیست از جمله چند پروفیسور سرشناس و فعالینی از اروپا و آمریکا در آن شرکت داشتند، سخنرانی من که تحت عنوان "مجازات اعدام، اسلام و سکولاریزم" بود با استقبال مواجه شد. من ارتباط مساله اعدام با اسلام سیاسی

را مطرح کردم که ضمن اشاره به تاریخ سیاه دولتهای مختلف عراقی در دهه های گذشته و اعدام های بیشماری که آنها مرتکب شده اند، تاکیدم این بود که برای پایان دادن به اعدام باید حکومتی سکولار به جای اسلام سیاسی و حکومت های قومی ایجاد کرد. تاکیدم این بود که بدون انقلاب و انداختن اسلام سیاسی و دولت های قومی و مذهبی لغو مجازات اعدام کار بسیار دشواری است و راه پایان دادن به اعدام و کل این تاریخ سیاه، تلاش برای پایان دادن به حکومت های قومی مذهبی در عراق است. یک دولت آزاد و سکولار میتواند به این بساط پایان دهد، قوانین ارتجاعی و عقب مانده را از سیستم قضائی و دادگاههای عراق جارو کند و لغو مجازات اعدام را بعنوان یک حق مسلم مردم عملی کند. این بحث و گفتگو به زبان عربی در صفحه شخصی من در سایت "الحوار المتمدن" که یک سایت عرب زبان معروفی می باشد پخش شده است.

انترناسیونال: اخیراً کمیته برای نجات کوستان همراه با کمیته بین المللی علیه اعدام سازمان دادید، در مورد این کمیته بگویند چه کردید و الان کوستان و پرونده او در چه وضعی هستند؟

سمیر نوری: با شنیدن اینکه شخصی به اسم کوستان (کوستان) صدیق از طریق تلویزیون کردی زبان ان آر تی، درخواست نجات جانش را میکرد، فوراً با مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام تماس گرفتم، اولین اطلاعیه مشترک را با این کمیته صادر کردیم و با هم کمپین گسترده ای راه انداختیم. با شروع این کمپین، ارگان حقوق بشر کردستان عراق (وابسته به حکومت) گفتند در کردستان اعدام نداریم. ولی ما پافشاری کردیم که اعدام توسط دولت حریم در کردستان عراق هم جریان دارد و آنها هم به دنبال ما

فعالین علیه مجازات اعدام نامه های اعتراضی برای حکومت اقلیم کردستان فرستاده اند، چندین تن از نمایندگان "اتلاف جهانی علیه اعدام" در کشورهای مختلف به این احکام اعتراض کرده اند، مساله بعدی نامه های اعتراض آمیز نمایندگان پارلمان فرانسه نسبت به حکم اعدام به حکومت اقلیم کردستان بوده، ولی تا الان حکومت اقلیمی کردستان همچنان ساکت است و هیچ صحبتی در خصوص این پرونده نمی کند.

من با بیان عزیزی که وکیل و از فعالین علیه شکنجه و اعدام است در مورد پرونده کوستان خیلی تحقیق و بررسی انجام دادیم و تصمیم گرفته ایم به دادگاه رجوع کنیم که روی این پرونده بررسیهای مجددی انجام شود. برایمان روشن شده کوستان به هنگام دادگاهی شدنش وکیل نداشته که از او دفاع کند و حتی بچه هایش که سستان زیر ۱۵ سال است بعنوان شاهد به دادگاه فراخوانده شدند. تنها کوستان نیست بلکه ۱۰ زن دیگر نیز به همان شیوه دادگاهی شده و حکم اعدام گرفته اند، بدون داشتن حق وکیل و خیلی فرمال و سرسری این دادگاه ها برگزار شده است. به دنبال بررسی های انجام گرفته پارلمان عراق تصمیم به از سرگیری دوباره این پرونده ها گرفته است. تلاش میکنیم که صدای این محرومان را به گوش جامعه برسانیم و هرطور شده دولت را تحت فشار قرار دهیم که اعدام آنها را رسماً لغو کند و پروسه آزادی شان را به جریان بیندازد و در مدتی که در زندان هستند از امکاناتی مانند وکیل و ملاقات و تماس با دنیای بیرون و غیره برخوردار شوند.

اینرا هم اضافه کنم که در کردستان عراق در ۷ سال گذشته اعدامی صورت نگرفته است. آخرین اعدام ها در اکتبر ۲۰۰۶ بود که ۱۱ نفر (شیخ زانا و ۱۰ نفر دیگر) اعدام شدند اما نارضایتی از اعدام در کردستان بالا بود و حکومت حریم هرچند قوانین مربوط به مجازات اعدام را لغو نکرده و همچنان احکام

اعدام را صادر میکنند از جمله در مورد کوستان که حکم اعدامش در سال ۲۰۱۱ صادر شد، اما از عملی کردن احکام اعدام خودداری کرده است. لاقلاً خبری در مورد اعدام در کردستان به ما نرسیده است. تلاش ما این است که اینرا تا سطح لغو رسمی مجازات اعدام جلو ببریم.

انترناسیونال: برنامه های آتی شما چیست؟

سمیر نوری: من در ماه ژوئن در کنگره جهانی علیه اعدام شرکت خواهم کرد. این کنگره ای جهانی است و ۱۵۰۰ نفر از فعالین علیه اعدام، تعدادی از شخصیت های شناخته شده، سازمانهای مخالف اعدام و همینطور تعدادی از نماینده های پارلمان ها و وزرای خارجه چندین کشور اروپائی و بین المللی در آن حضور خواهند داشت. این کنگره چهار روز به طول می انجامد. تلاش من این است که در این کنگره مساله اعدام در منطقه و عراق را که به مساله بسیار خطرناکی تبدیل شده است بیشتر مطرح کنیم. تلاش میکنم که صدای اعتراض علیه اعدام در عراق را نمایندگی کنم و با ارائه کیس های مشخص، افشای قوانین، دادگاهها، بیحقوقی متهمان و رفتاری که با زندانیان میکنند را بازگو کنم و برای مبارزه علیه اعدام حمایت جلب کنم. فکر نمی کنم که لغو مجازات اعدام در این کشورها ساده ای باشد، به نیروی اجتماعی بسیار وسیعتری نیاز است و شرکت من در این کنفرانس ها برای بلند کردن صدای این اعتراض و تقویت این جنبش است.

همچنین اکنون در تلاش برای راه انداختن کنگره ای در کردستان عراق در سطح منطقه و در مورد مساله اعدام هستیم. امیدوارم این کنگره را برگزار کنیم که بنظر من اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت. اگر موفق شویم سکویی خواهد بود برای رودررویی با اسلام سیاسی در منطقه. ما بر روی یک استراتژی روشن تر برای خاتمه دادن به مجازات اعدام در منطقه کار می کنیم.*

گزارشی از برگزاری جشن اول مه در تورنتو!



به دعوت حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق عصر روز جمعه سوم مه در تورنتو مراسم با شکوهی در گرامی داشت اول مه روز جهانی کارگر برگزار شد. سالن مراسم با بنرها و عکسهای بزرگی از جمله نمایشگاه عکسی از زندگی و مبارزه طبقه کارگر، کارگران زندانی در ایران، پوستر ماركس، لنین و منصور حکمت و همچنین بنرهای هر دو حزب تزئین شده بود.

ابتدا امیر زاهدی مجری برنامه، با خوش آمد به همگی برنامه را با سرود انترناسیونال شروع کرد و سپس از اولین سخنران برنامه حمید تقوایی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران خواست تا سخنرانی را به این مناسبت آغاز کند.

حمید تقوایی در شروع سخنرانی خود گفت: اول مه روزی است که همه سرها به طرف طبقه کارگر برمی گردد، معمولا همه بعنوان طبقه ای که دنیا با دست او بنا شده و ثمره دسترنج اوست از کارگران یاد می کنند، اما بحث بر سر نقش سیاسی طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه داری است. حمید تقوایی در ادامه سخنانش تاکید کرد که "برای خاتمه دادن به این شکاف عظیم بین فقر و ثروت فقط يك راه حل وجود دارد و آنهم خلع ید از طبقه سرمایه دار است. رهائی و آزادی کارگران و کل جامعه تنها با به زیر کشیدن بورژوازی از تخت حکومت و پایان بخشیدن به سلطه سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار امکان پذیر است، راه دیگری نیست".

حمید تقوایی در باره اوضاع ایران گفت: "همه می دانید که ایران آستان تحولات مهمی است، اما تضمین اینکه تحولات ایران مثل سوریه نشود و حتی مثل مصر امروز نشود و یا يك شاه

دیگری را سر کار نیاورند این است که طبقه کارگر پا پیش بگذارد ... این طبقه باید بتواند بعنوان پرچمدار جنبش رهائی زن، مبارزه علیه مذهب، دفاع از حقوق کودک و برای خلاصی از کلیه مصائب جامعه سرمایه داری در جامعه عرض اندام کند."

بعد از سخنرانی حمید تقوایی فیلم برگزاری اول مه سنندج به نمایش گذاشته شد و همچنین امیر زاهدی قطعه نامه کارگران سنندج را برای حضار قرائت کرد. سپس دومین سخنران برنامه عصام شکری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق بود و او سخنانش را با اشاره به بی حقوقی کارگران و همین مرگ دلخراش بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران در بنگلادش آغاز کرد. در قسمت دیگری از سخنان خود عصام شکری با اشاره به اوضاع اسفبار مردم عراق، فقر و گرانی، بیکاری و بی حقوقی، توهین و

رسید. تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری چپ عراق - کانادا



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

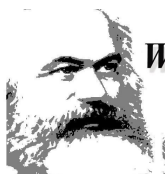
آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

میتینگ اعتراضی در مرکز شهر کلن علیه ختنه کودکان پسر

آلمان بود. خبرنگارانی در محل حضور داشتند و از این حرکت خبر و گزارش تهیه کردند. شورای مرکز اکس مسلم- آلمان ۷ ماه مه ۲۰۱۳

از جمله سخنرانان این میتینگ ایرمینگارد شوه گریک از سازمان مدافع حقوق زن "تره ده فام" دکتر ولفرام هارتمن پزشک مخالف ختنه کودکان، برنند کامر از سازمان جردانو برونو و مینا احدی از سازمان اکس مسلم در

موجی از اعتراض به این حکم و با پرچم دفاع از "حق والدین و حق تربیت کودک توسط والدین" و ... دولت آلمان عقب نشینی کرد و در یک اقدام با عجله و ضد حقوق کودک این حکم را عملاً لغو کرد و اعلام کرد که ختنه میتواند در آلمان از سر گرفته شود. در اعتراض به این اقدام دولت آلمان امروز در مرکز شهر کلن آلمان به فراخوان بیش از هفت سازمان مدافع حقوق کودک و همچنین نهاد اکس مسلم در آلمان از مقابل دادگاه شهر کلن تا مرکز شهر راهپیمایی شد. با وجود اینکه باران تندی می بارید تعداد زیادی در این حرکت حضور داشتند و به صحبت‌های سخنرانان گوش دادند.



امروز سه شنبه ۷ ماه مه میتینگ در مقابل دادگاهی در مرکز شهر کلن برگزار شد که یکسال قبل حکم به ممنوعیت ختنه کودکان داد. این حکم دادگاه باید در سراسر آلمان اجرا میشد و انعکاس گسترده بین المللی هم داشت. به نحوی که بعد از این حکم در برخی از بیمارستهای سویس و یا اتریش و یا آمریکا نیز متخصصین کودکان و پزشکان از ختنه کودکان سرباز زدند. در آلمان با اعتراض سازمانهای اسلامی و یهودی و



به شرکت کنندگان در کنگره ششم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



فرزاد کمانگر معلم آزاده، انساندوست و فعال مدافع حقوق انسانی بود که به همراه شیرین علم هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان در زندان اوین در سحرگاه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ به دست جلدان حکومت اسلامی اعدام شد. در روز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت سالروز اعدام این عزیزان خانواده های این عزیزان را تنها نگذاریم و یاد و خاطر این ستارگان سرخ آزادی را گرامی بداریم.*

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

که جمهوری اسلامی در عمیق ترین بحران سیاسی دست و پا میزند، وضعیت فلاکت بار اقتصادی، کارگران و توده های وسیع مردم را بیش از پیش به اعتراض و مبارزه سوق میدهد و کمونیسم در ایران از نفوذ و محبوبیت قابل توجهی برخوردار است، کمونیسم کارگری موظف است که با تمام قدرت و امکانات و توانائی خود بمیدان بیاید.

امیدواریم مصوبات این کنگره و سیاستهای حزب حکمتیست در جهت تحقق این امر باشد. کنگره موفق را برایتان آرزو میکنیم.

زنده باد کمونیسم کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مه ۲۰۱۳

کلیشه ای از کمونیسم و مارکسیسم گذشته است و هر نیروی مدعی کمونیسم کارگری - و دریک سطح عمومی تر هر نیروئی که خود را کمونیست مینامد- موظف است پراتیک و دخالتگری فعال در اعتراضات و جنبشهای گسترده ای که در ایران و در چهارگوشه جهان در جریان و رو به گسترش است را مهمترین امر و وظیفه خود بداند.

این امر، یعنی پراتیک فعال مبارزاتی در عرصه های مختلف، در عین حال زمینه و مبنای نزدیکی و هم جهتی نیروهای کمونیست انقلابی و بطریق اولی نیروهای مدعی کمونیسم کارگری نیز هست. بویژه در شرایط سیاسی متحول و خطیر امروز ایران، در شرایطی

این کنگره در شرایطی تشکیل میشود که وضعیت سیاسی در جهان و بویژه در ایران یک کمونیسم پراتیک، فعال و دخالتگر در عرصه های مختلف مبارزه علیه سرمایه داری و مصائب آن را بمیدان فرامیخواند. کمونیسمی که شرایط سیاسی متحول امروز را ببیند و به ضرورت تامین هژمونی و رهبری طبقه کارگر در این شرایط پاسخ درخور و عملی بدهد. کمونیسم کارگری، کمونیسم این دوره است. تنها کمونیسم کارگری، کمونیسم رادیکال و زنده و فعال، کمونیسم پراتیک و دخالتگر، میتواند عامل و نیروی فعال تحقق این امر باشد.

ما عمیقاً بر این باوریم که دوره قرائتها و تبیین های فرقه ای، انحلال طلبانه، پاسیفیستی، منزه طلبانه، اسکولاستیکی و

فراخوان به اعتراض جهانی علیه احکام اعدام پنج فعال سیاسی عرب زبان

مواجه خواهد شد. کمیته بین المللی علیه اعدام از همه مردم در اهواز و خوزستان و در همه جای ایران و از ایرانیان در سراسر جهان دعوت میکند به این احکام اعتراض کنند. ما از خانواده و وابستگان این پنج نفر دعوت میکنیم که با کمیته علیه اعدام تماس گرفته و کاری کنیم که دنیا علیه این جنایت حکومت اسلامی بسیج شود.

کمک کنید این پنج نفر از خطر اجرای حکم اعدام نجات یابند به این حکم وحشیانه اعتراض کنید!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۵ ماه مه ۲۰۱۳
Mina Ahadi
0049 (0)
1775692413
minnaahadi@gmail.com
minaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopston-ningnow.com
notonemoreexecution.org
ex-muslim.de

دانشگاه صنعتی اصفهان و فعال دانشجویی و یکی از مؤسسان نشریه دانشجویی "التراث" که در دانشگاه صنعتی اصفهان منتشر می شد، سید یابر البوشوکه متولد ۱۳۶۳ و برادر وی سید مختار البوشوکه متولد ۱۳۶۵ محکوم به اعدام شده اند.

این افراد بعدها بارها گفته اند که همه اعترافات زیر شکنجه های وحشیانه از آنها گرفته شده است. لکن استخوان هادی راشدی زیر شکنجه شکسته و هاشم شعبانی زیر رفتارهای وحشیانه و قرون وسطایی حکومتی، دچار اختلال روانی شده است و دیگر متهمین از بیماریهای عفونتی رنج میبرند.

به این احکام اعدام نه فقط در سطح بین المللی و نهادهای مدافع حقوق انسانی بلکه در رامشیر و در اهواز و از سوی دانش آموزان و مردم در محل بارها اعتراض شده و طومار اعتراضی جمع کرده اند و مردم بارها به حکومت اخطار داده اند اگر این پنج نفر را اعدام کند با اعتراضات گسترده تر مردم



تشکیل دادگاه تلویزیون حکومت اسلامی، پرس تی وی که اسمش با جنایت و شکنجه و اقرار گرفتن آغشته است، فعالانه وارد صحنه شده و از این دو نفر اقرار تلویزیونی گرفت.

در بیدادگاههای حکومت اسلامی و زیر شکنجه های وحشیانه جنایتکاران حکومت اسلامی این پنج نفر مجبور به اقرار شده و در نهایت به اعدام محکوم شدند. هاشم شعبانی نژاد متولد ۱۳۶۰ شاعر، ویلاگ نویس و دبیر ادبیات عرب و دانشجوی فوق لیسانس علوم سیاسی دانشگاه اهواز، هادی راشدی متولد ۱۳۵۲ دبیر شیمی و فوق لیسانس شیمی کاربردی، محمد علی عموری نژاد متولد ۱۳۵۶ ویلاگ نویس و فارغ التحصیل رشته مهندسی منابع طبیعی- شیلات و آبیان از

علیه فعالین سیاسی را دارد. اگر حکومت این پنج نفر را اعدام کند، دست به اعدام زندانیان سیاسی دیگر در زندانهای دیگر خواهد زد. همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی همه احزاب اپوزیسیون و همه منزجرین از حکومت اسلامی باید متحدانه بپا خاسته و اعتراض کنند. جمهوری جنایت و رذالت اسلامی با وجود اعتراضات گسترده به احکام اعدام پنج زندانی سیاسی از ساکنین خلیفه "رامشیر" که دو سال قبل توسط وزارت اطلاعات دستگیر شده اند، قصد اعدام فوری آنها را دارد.

در اقرار گرفتن از این افراد "تلویزیون پرس تی وی" بعنوان بخشی از سیستم اقرار گرفتن و جنایت اسلامی نقش جدی داشت. از هادی راشدی و هاشم شعبانی نژاد قبل از تفهیم اتهام و یا

محمد علی عموری، هادی راشدی، سید مختار البوشوکه، هاشم شعبانی و سید جابر البوشوکه در خطر اجرای فوری احکام اعدام هستند. این خبر اخیراً از سوی نهادهای مدافع حقوق بشر منتشر شده است. گفته میشود حکومت اسلامی ایران قصد دارد هفته آینده این پنج نفر را اعدام کند. باید بپا خاست و باید کاری کرد که جلوی این جنایت وحشیانه و بیشرمانه حکومت اسلامی گرفته شود.

به این سازماندهی جنایت توسط حکومت اسلامی اعتراض کنید. نگذارید این پنج فعال عرب زبان را حکومت اسلامی قربانی کند. حکومت اسلامی ایران برای از سر گذاردن انتخابات کذایی اش و برای جلوگیری از اعتراضات مردم، قصد خونریزی بیشتر و جنایات بیشتر در زندانها

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

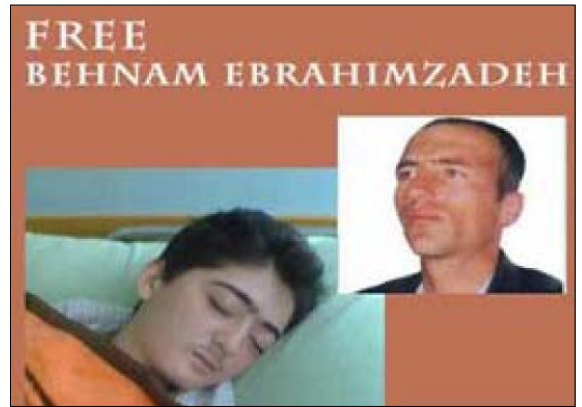
آدرس پستی:

**I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden**

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

از خواست بهنام ابراهیم زاده پشتیبانی کنیم

بهنام ابراهیم زاده نباید به زندان بازگردانده شود



بهنام ابراهیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری علیرغم وضع وخیم جسمانی تنها فرزندش نیما که بدلیل ابتلاء به بیماری خطرناک خونی در بیمارستان محک تهران بستری است، در خطر دستگیری و بازداشت مجدد به زندان است. بهنام روز ۱۴ اردیبهشت برای تمدید مرخصی خود به دادستانی جمهوری اسلامی مراجعه کرد، اما آنها بهانه تراشی کرده و دوباره از وی خواهان تایید پزشک قانونی مبنی بر نیاز وجود او در کنار فرزند بیمارارش شده اند. در این رابطه بهنام ابراهیم زاده طی نامه‌ای به همه سازمانها و نهادهای انساندوست و به تشکلهای کارگری در سراسر جهان خواسته است با اعتراض و فشار خود مانع بازگرداندن وی به زندان شوند. به درخواست بهنام وسیعاً پاسخ دهیم. صدای بهنام ابراهیم زاده در همه جهان باشیم. نامه بهنام را وسیعاً همه جا کنیم. به هر شکل که میتوانیم فشار بیاوریم و اعتراض بر پا کنیم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط بهنام شویم. بهنام ابراهیم زاده باید کنار فرزندش باشد. بهنام نباید به زندان باز گردد. ۱۶ اردیبهشت ۹۲ ۶ مه ۲۰۱۳

کمیته برای آزادی کارگران زندانی شهلا دانشفر
Shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش
Baram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

استمداد بهنام ابراهیم زاده از جامعه جهانی

اینجانب بهنام ابراهیم زاده پدر نیما ابراهیم زاده، در حال حاضر تحت استرس و فشار روانی شدیدی قرار دارم زیرا دستگاه قضایی و امنیتی به شدت تلاش می کنند که مرا به زندان بازگردانند و از این رو فرزند بیمار من در وضعیت روحی بسیار بدی قرار گرفته است.

اکنون بار دیگر دوره درمان فرزندم شروع شده و او طی پروسه درمان نیاز مبرمی به حضور من در کنار خودش دارد. حتی پزشکان بیمارستان محک بر این موضوع تاکید و پافشاری کرده اند که چون فرزندم در آستانه سن بلوغ

قرار دارد، در وضعیت بسیار حساسی است و برای پیشرفت درمان و بهبودی سریع به حضور پدر نیاز دارد. اما مقامات قضایی به شدت تلاش می کنند که مرا به زندان بازگردانند و فرزندم را از وجود من در کنارش محروم کنند.

امروز شنبه چهاردهم اردیبهشت که برای پیگیری تمدید مرخصی خود به دادستانی مراجعه کردم، آقای خدابخشی قاضی ناظر بر زندان، طی نامه ای خطاب به پزشک قانونی تهران تاکید کرد که باید پزشک قانونی تایید کند که شما بایستی ضرورتاً در کنار فرزند خود بمانی.

من به ایشان یادآوری کردم که درست چندروز قبل، نامه پزشکان بیمارستان محک، خطاب به مقامات مربوطه مبنی بر این که بهنام ابراهیم زاده با توجه به وضعیت ویژه فرزندش باید در کنار او بماند را به شما تحویل دادم، اما ایشان همچنان پافشاری کردند که باید پزشکان خودمان در پزشکی قانونی نیز این مسئله را تایید کنند.

گویا دستگاه قضایی تمام توان خود را به کار انداخته تا مرا از تنها فرزندم جدا سازد و با این کار مطمئناً جان فرزندم به خطر خواهد افتاد.

بدین وسیله من بهنام ابراهیم زاده، با توجه به وضعیت وخیم جسمی و روحی تنها فرزندم که بیش از سه ماه است در بستر بیماری به سر می برد، از تمامی سازمان ها و نهادهای حقوق بشری و انساندوست، اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری، تمامی

انسان های آزادیخواه و مترقی که قلبشان برای آزادی و انسانیت و بشریت می تپد و همچنین تمامی هم طبقه ای هایم در سر تا سر جهان می خواهم که ما را یاری کنند و نگذراند دستگاه قضایی مرا به زندان برگرداند و جان

فرزندم، نیمای عزیز که در جدال با بیماری سخت اش به من نیاز مبرم دارد، به خطر بیافتد. ما به کمک شما عزیزان نیاز داریم. بهنام ابراهیم زاده اردیبهشت ۹۲

علیه اعدام

مردم!

به اعدام نه بگویید. به اعدام کنندگان نه بگویید. جلوی کشتار دولتی را بگیرید. اراذلی را که در کنار چوبه های دار عریبه کشی میکنند طرد کنید! همچون مردم سیرجان چوبه های دار را باید بر سرشان خراب کرد! اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام ابزار قدرتمندی حکومت جنایتکاران سرمایه دار علیه خود شماست. ندیده ایم که هر وقت میخواهند اعتراض و مبارزه کارگران و زنان و جوانان علیه فقر و گرسنگی و بیکاری و زندان را عقب برانند، چوبه های دار را برپا میدارند و اعدامها را گسترش میدهند؟

میگویند اعدام برای نجات جامعه از قتل و جنایت ضروری است. این يك دروغ بزرگ است. کدام جامعه تاکنون با اعدام و انتقام، از جنایت رها شده است؟ ریشه همه جنایتها خود حاکمیت ناعادلانه يك دسته مفتخور و دزد بر اکثریت جامعه است. ریشه جرم و جنایت و قتل حاکم شدن يك مشت قاتل و دزد بر اکثریت جامعه است. همین ریشه را باید خشکاند. برای خلاصی از جنایت و قتل در قدم اول باید قاتلین و دزدان را از قدرت بزیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران

سایت حزب: www.wpiran.org

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

زنده باد سوسیالیسم!

علی آزادی فعال کارگری در سنندج با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد



بازداشت شده بود از اداره اطلاعات به زندان مرکزی سنندج انتقال داده شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری آزادی علی آزادی را به او، خانواده، بستگان و همکارانش تبریک می گوید. برگزاری هشت مارس، روز جهانی کارگر، ایجاد تشکلهای کارگری و عضویت در آنها حق بی چون و چرای کارگران است. با تجمع در مقابل نهادهای سرکوبگر رژیم خواهان آزادی بدون قید و شرط دیگر فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی شویم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مه ۲۰۱۳
۱۹ اردیبهشت ۹۲

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است امروز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت علی آزادی کارگر نانوائی و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی ساعت ۳:۰۷ دقیقه بعد از ظهر در میان شور و شوق مردمی که به استقبال او آمده بودند از زندان آزاد شد. این در حالی بود که جمعیت کثیری برای استقبال از او در مقابل زندان سنندج تجمع کرده بودند. علی آزادی روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۹۱ در ارتباط با هشت مارس روز جهانی زن در محل کارش در سنندج دستگیر شد. همچنین طبق همین خبر غالب حسینی یکی دیگر از اعضای کمیته هماهنگی که همراه با علی آزادی و چند تن دیگر از فعالین کارگری در آستانه هشت مارس

هفت نفر از دستگیرشدگان روز جهانی کارگر در سنندج آزاد شدند جلیل محمدی و حامد محمودی دستگیر شدند

دو فعال کارگری توسط عوامل رژیم ربوده شده اند. باید با قدرت تمام به میدان آمد و خواهان آزادی این دو فعال کارگری و سایر دستگیر شدگان روز جهانی کارگر شد. فعالین کارگری دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مه ۲۰۱۳
۱۳ اردیبهشت ۹۲

دستگیرشدگان را آزاد کنند. باید تا آزادی کلیه دستگیر شدگان روز جهانی کارگر به تجمعات خود ادامه دهیم. بنا به خبر دیگری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت دو نفر از فعالین کارگری بنام جلیل محمدی و حامد محمودی توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم دستگیر شده اند. جلیل محمدی در بیرون از منزل دستگیر شده و حامد محمودی نژاد بعد از خروج از منزل تاکنون به خانه مراجعت نکرده است. این

بنا به اخبار دریافتی روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت علاوه بر نسترن محمدی و شاپور حبیبی، ۵ نفر دیگر از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در سنندج آزاد شدند. اسامی آزاد شدگان عبارتند از: ارسلان یعقوبی، بختیار چتانی، بختیار فاتحی، تیمور امجدی و محسن محمودی. آرام زندی، فردین قادری و فاتحی همچنان در بازداشت بسر می برند. تجمع روز پنجشنبه در مقابل دادگاه سنندج سبب شد که مسئولین این نهاد سرکوبگر،

بیانیه جمعی از فعالین کارگری بوکان در حمایت از دستگیر شدگان اخیر در اول مه سنندج

قرار گرفته و دستگیر شده اند. ما جمعی از فعالین کارگری شهرستان بوکان حمایت خود را از فعالین کارگری زندانی شده در سنندج و خانواده هایشان اعلام میداریم و خواستار آزادی بی قید و شرط این عزیزان هستیم و اعلام میداریم حق تشکل، اعتراض و تجمع برای بدست آوردن وضعیت بهتر معیشتی حق مسلم کارگران است و اعتراض به وضعیت موجود جرم نیست.

جمعی از فعالین کارگری بوکان

اعتصابات و اعتراضات در جای جاهای کارخانه ها و مکانهای تولیدی هستیم و در اول ماه مه امسال نیز با حضور گسترده خود متحدانه خواهان زندگی بهتری بودند و در این میان دست نشانندگان و مدافعین سرمایه برای تداوم بردگی مزدی ساکت ننشسته دست به دستگیری و سرکوب فعالین کارگری زدند. تعدادی از فعالین کارگری در سنندج در اول ماه مه برای دفاع از مطالبات بر حق خود که به خیابانها آمده بودند توسط نیروهای انتظامی مورد تعرض

اول ماه مه امسال در شرایطی که فقر و تورم و گرانی روز به روز دامنه پیدا میکند و قدرت خرید اکثریت مردم به نهایت نزول یافته است در این میان کارگران که تولید کنندگان جامعه اند، از ابتدایی ترین و بنیادی ترین حقوق خود محروم هستند و هر ساله در این روز متحدانه دست به اعتراض میزنند و مبارزه خود را علیه سرمایه داران اعلام میکنند. کارگران ایران نیز تحت هیچ شرایطی در دفاع از حقوق خود دست نکشیده اند. هر روزه شاهد

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران را نکتیر و وسیعا پخش کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود